



چاینا دیلی (چین):

اعضای تیم اعزامی سازمان بهداشت جهانی به چین برای کشف منشأ شیوع ویروس کرونا، مدعی شدند روزنامه (نیویورک تایمز) آمریکا در گزارش جنجالی خود، مانند آنی در نقل قول‌ها را رعایت نکرده و اظهارات آنها را وارونه و انتخابی انعکاس داده است. در حالی که طرف چینی همکاری کاملی با این تیم داشته‌اند.



ایندیپندنت (بریتانیا):

«بوریس جانسون»، نخست‌وزیر انگلیس پس از افتتاح هتل قرنطینه، اعلام کرد این آخرین قرنطینه‌ای است که کشورش خواهد داشت. بسیاری این سخنان «جانسون» را به بازگشایی زودهنگام مشاغل نسبت دادند اما او اعلام کرد که مردم کشورش باید مثبت‌اندیش و صبور باشند چراکه او امیدوار است آخرین محدودیت‌ها در کمترین زمان به پایان برسد.



یواس ای تودی (امریکا):

پس از براهت «دونالد ترامپ» در دومین دادگاه استیضاح، «جو بایدن» که با شعار مبارزه با کرونا و احیای اقتصادی امریکا به صحنه مبارزه آمده بود، تصویری گنگ از رفتار آینده حزب جمهوریخواه و همسویی آنها برای تحقق وعدههایش پیش رو دارد. او سرسختانه به دنبال تصویب بسته حمایتی «کرونا است».

دور نما



پیشگفتار مترجم

کتابی که ترجمه فارسی آن به مرور به شکل پاورقی روزانه، در روزنامه «وزیر» (ایران) منتشر خواهد شد، «الروایه المفقوده» به زبان فارسی «روایت گمشده» نام دارد که دربرگیرنده خاطرات «فاروق الشرع» و وزیر خارجه سابق سوریه از بیش از دهده مسئولیت خود در عرصه سیاست خارجی این کشور تا هنگام درگذشت «حافظ اسد» رئیس جمهوری فقید سوریه است. «فاروق الشرع» مسئولیت‌های سفیر سوریه در ایتالیا (۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰)، وزیر مشاور در امور خارجی (۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴)، وزیر خارجه (۱۹۸۴ تا ۲۰۰۶)، معاون اول رئیس جمهوری (۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲)، عضو رهبری کشوری حزب بعث سوریه (۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳) را برعهده داشته و از این تاریخ، عملاً بازنشسته شده است.

ترجم کتاب در سه دهه گذشته همواره تحولات جهان عرب و سوریه را از نزدیک دنبال کرده و چهار سال از بهترین ایام کاری خود را نیز از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱، به عنوان دیپلمات در سفارت جمهوری اسلامی ایران در دمشق گذرانده و در سال های اخیر به علت مسئولیت خود در عرصه سیاست خارجی، در ارتباط مستقیم با سوریه و مسائل این کشور بوده است. اینک که پس از چند سال کارگری دیپلماتیک، به خلوت کتابخانه خود بازگشته و بار دیگر مجالی برای خواندن و نوشتن یافته های خود در حمله مسئولیت های وجدانی خود را کمک به تولید ادبیات سیاسی بازگو کنند. واقعیت های سوریه به زبان شیرین فارسی و دُر در می داند. واقعیت این است که با وجود روابط ممتاز و منقسم سوریه و ایران در بیش از چهار دهه اخیر از پیروزی انقلاب اسلامی و نقش برجسته ایران در سال های چهاردهم یک به دولت سوریه برای مهار جریان کج راه ایران این کشور، متأسفانه ادبیات سیاسی ویرین مرتبط با این کشور در زبان فارسی بسیار محدود است. این آسیب در برخی یا بسیاری دیگر از حوزه های مهم سیاست خارجی ایران نیز وجود دارد و نیازمند تدبیر مناسب و جبران مافات است. میروان ترجمه کتاب حاضر بتواند در این چارچوب مفید واقع شود و قدمی به هر دو کوچه در کتب مسیر درست باشد.

سوریه معاصر در ایران و جهان بیش و پیش از هر چیز به نام «حافظ» رئیس جمهوری پیشین این کشور (۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰) شناخته شده است. «حافظ اسد» از نگاه دوست و دشمن، نابغی از در دنیای سیاست بود که توانست از داخلیت مفروض علوی در جامعه سوریه، برای د پلهای ترقی را در سیاست داخلی کشورش تار و پود جمهوری، ملی و سیاست متلاطمی را به ثبات داخلی سوریه را که پیامد کودتاهای پی در پی و سوء مدیریت فاحش در تدبیر امور کشور بود، مدیریت و با در پیش گرفتن یک سیاست خارجی فعال و مؤثر، سوریه، یک کشور معمولی جهان عرب را به یک ضلع از مثلث قدرت عربی در کنار مصر و عربستان تبدیل و سه دهه بر کشورش حکومت کند.

کتاب خاطرات «فاروق الشرع» از این نظر اهمیت دارد که تصویری دست اول و نزدیک، از دوران ساختار تصمیم‌سازی سیاست خارجی سوریه در دوران «حافظ اسد» ارائه و به خواننده کمک می‌کند تا با نحوه سیاست‌گذاری سوریه («اسد» در عرصه پرتلاطم خاورمیانه و جهان در دهه پایانی قرن بیستم میلادی آشنا شود. هوشمندی «حافظ اسد» در حوزه سیاست خارجی، در پرورده‌های مختلف سیاست خارجی سوریه قابل ردیابی و بررسی است و اطلاعات موجود در کتاب حاضر نیز می‌تواند مبادی مهمی برای این کار در اختیار گذارد.



جلب حمایت برای مخالفان ونزوتلا

به نظر می‌رسید که ترامپ چندان علاقه‌ای به بحث و گفت‌وگو درباره ونزئلا ندارد که علت آن بعد از ده‌ها روز معلوم شد. ترامپ اعلام کرد: ونزئلا توافق درباره پایان دادن به تعطیل دولت (به خاطر اختلاف بر سر بودجه ساخت وخت دیوار مرزی با مکزیک) حاصل شده است؛ موضوعی که باعث شد طیف‌های مختلف سیاسی کشور چنین تصمیمی را تسلیم شدن کامل به او در پروژه ساخت دیوار مرزی مکزیک تفسیر کنند. تعجبی نداشت که او آن روز حال روحی کالدین را نداشت، تصمیم گرفت به مونویچ که به خاطر موضوعی بار دیگر در ماسکینا بود، تماس بگیرم و او نیز موافقت کرد (حال که حکومت جدید را تأیید کرده‌ام)، باید تحریع‌ها را فحقی را نیز اعمال کنیم. به پمپو رنگ زدم تا او از خبر خوش موافقت مونویچ را آگاه کنم. پمپو گفت: وزیر خارجه ونزئلا روز شنبه برای شرکت در جلسه شورای امنیت سازمان ملل که به درخواست ما و برخی دیگر از کشورها به برگزاری این جلسه می‌شود، به نیویورک خواهد آمد. هر دو ما فکر می‌کردیم که این سفر می‌تواند فرصتی را فراهم کند تا پمپو به نهایی یا او دیدار کند و بدون اینکه ما موران دون پایه همراه او چیزی بشنوند، از نقطه نظرات وزیر درباره مسائل کشورش آگاه شود. این همان کاری بود که در رابطه با دیگر ونزولایی‌ها حین ماوریت‌های دیپلماتیک آنها در سراسر جهان انجام می‌دادیم. از آنجایی که تقریباً امنیت را بدیده روسیه و اتحاد چین به‌عنوان درخواست ما در شورای امنیت ونزولایی و ونزولایی‌ها انتظار چندانی از نشست این شورا نداشتیم اما محل خوبی برای جلب حمایت برای مخالفان ونزولایی بود. گویاود نیز همان روز با درخواست از کوبا برای خارج کردن نیروهایش از ونزولا و بازگرداندن آنها به کشورشان که ما کمک کرد. روز شنبه ۲۶ ژانویه، شورا با امنیت ساعت ۹ صبح به تشکیل جلسه داد و پمپو در سخنان خود در این جلسه به حکومت مادورو حمله کرد. اعضای اروپایی شورا آنگفتند که مادورو هشت روز فرصت دارد تا تاریخ انتخابات جدید را اعلام کند و در غیر این صورت همه آنها گویاود را به ریاست جمهوری خواهند شناخت. این اقدام خودکامی که روسیه در این نشست را به‌عنوان تلاشی برای کودتا محکوم و مشخصاً از ما به‌دلیل دعوت به مصادره اموال دولت ونزولایی (به سبک پولشویی‌ها)، انتقاد کرد (این خود اختاری برای من بود). این انتقاد نشان داد که ما با پیگیری موضوع نفت و تلاش برای شکستن سلطه انحصاری رژیم مادورو بر صنعت نفت ونزولایی در مسیر درستی حرکت می‌کنیم. یکی از خبرهای بالقوه مهم این بود که وابسته نظامی ونزولایی در واشنگتن وفاداری خود را به گویاود اعلام کرد. بن جلدی و جدایی افراد دیگر از رژیم، حامیان جدیدی را برای مخالفان ایجاد کرد و اکنون مخالفان دولت مادورو به‌عنوان یک روند معمول در چنین شرایطی، خواستار این بودند که سایر مقامات نظامی و غیرنظامی که هنوز در ونزولایی بسر می‌بردند از رژیم جدا شوند تا آنها بتوانند معارضان بشری را در میان خود داشته باشند.

ترکیه و امریکا در بزنگاه بهبود روابط مخدوش شده

با وجود سیگنال‌های مثبت، آنکارا سفیر آمریکا را بخاطر کشته شدن ۱۳ شهروند ترکیه در شمال عراق احضار کرد



مراسم تدفین نظامیان کشته شده ترکیه در جریان عملیات «بیشه عقاب ۲»

به واشنگتن گفت: «باید موضوع خود را مشخص کنید. ما با شاید با تا ترویرست‌ها اگر ما در ناتو با هم متحد هستیم و گرمی خواهم این اتحاد همیشه ادامه داشته باشد. باید با ما صادق باشید.»

نرمش آمریکا قابل تریه در این ماجرا در حالی است که به گفته تحلیلگران «شینهو»، با وجود برخی سیگنال‌های مثبت که از زمان روی کار آمدن دولت «جوبایدن» برای تریه اواسط است، به نظر نمی‌رسد دو طرف برای ترمیم روابط خود که در دوره «دونالد ترامپ» مخدوش شده بود، وعده‌ای ندارند و هر دو کشور منتظر هستند دیگری دست به اقدامی برای گرم شدن روابط بزند. با این حال از نظر کارشناسان دولت «بایدن» با وجود همه سیگنال‌های مثبت، موضع سختگیرانه‌تری نسبت به «ترامپ» در قبال آنکارا دارد. اما در عین حال نمی‌خواهد متحد خود در ناتو را در مقابل روسیه از دست بدهد و او را به سمت تسو سوق دهد.

به گفته «سنان اولگن»، رئیس اندیشکده «مطالعات دیپلماسی و اقتصادی» در استانبول، اگر بایند بخواهد روابط با تریه را اصلاح کند، این کار را نه تنها برای اواسط

که برای ناتو انجام می‌دهد. زیر طای یک گروه گذشته روابط آمریکا با متحدان غربی‌اش به قدری تیره شده که چندان روز از ذهن نیست اگر پیوندهای این رابطه کاملاً از هم گسسته شود. به اعتقاد او «اگر بایستن می‌خواهد متحد خود را از دست بدهد، تنها راه معامله با ریادگان است. زیرا اگر این کار را نکند، باخطر شکافی دائمی در ناتو روبه‌رو شده و پدیدر که ترکیه ممکن است به سمت روسیه بریزد.» یکی از مسائلی که بین دو طرف وجود دارد و مثل خاری به چشم آمریکا است، مساله سامانه پادفند هوایی آن است ۴۰۰ ساله «آنتونی لیکن» آن را غیر قابل قبول خوانده و تأکید کرده: «این هوس بودن با یکی از بزرگترین رقبای استراتژیک ما است.»

«سراکان دمیرتاش»، تحلیلگر سیاسی ترکیه نیز می‌گوید: «هرچند سه هفته‌ای که گذشت، در مناسبات ترکیه و آمریکا خوب و عالی نبود. اما، از آنجمله‌ای زود است که بخواجهم درباره روند روابط دو طرف صحبت کنیم. زیرا آنها حتماً تلاش خواهند کرد این بحران را بخوبی مدیریت کنند و روابط آینده خود را در مرزهای تعیین شده و با تمرکز بر منافع مشترک شکل دهند.»

چالش «نورد استریم ۲» برای اروپا



تونی باربر؛ دبیر
بخش اروپای
فایننشال تایمز
مترجم:
زهره صفاری

اما هیچ یک از اینها توانسته توجیهی برای
قضایات‌های بیمارگونه مصاحبه (فرانک والتر
جمهوری آلمان درباره روابط کشورش با روسیه شود.
روزنامه‌ها از پروژه خط لوله گازی «نورد استریم ۲»
رقیبی برای بالتیک به آلمان می‌رساند دفاع و از آن
نقش ارتباطی میان روسیه و اروپا باوجود شکاف‌های
یاد کرد.

«(اشتاین‌مایر) معتقد است «برای ما آلمان‌ها، ابعاد دیگری نیز پیش از میلیون‌گانه شته‌شده در جنگ جهانی دوم وجود دارد اما این نمی‌تواند تاگاهات سیاسی روسیه امروز را توجیه کند و باید نگاهی وسیع‌تر داشته باشیم.» اما آنچه برای این میان تعبیر «اشتاین‌مایر» برای «نورد استریم ۲» عنوان غرامت معنوی به روسیه را زیر سؤال می‌برد این است که او هیچ‌یک را دیگری را که در فاصله سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ در تجاوز نازی‌ها می‌دیدند نام نبرده است. درست است که روسیه جایشی قانونی روی در شورای امنیت سازمان ملل است اما در این میان او اکراین نیز دارد. در عین حال فهرست کشورهای اروپایی که آلمان از منافع خود به آنها بدکار است بسیار طولانی و فراتر از مرزهای شوروی سابق می‌باشد. اما آنچه مسلم است «نورد استریم ۲» در حال تکمیل شدن است و آن‌جا که تهدیدی حاکمیتی یا نظامی نیز در پس آن قرار ندارد چه قدرتی قادر به متوقف کردن آن نخواهد بود. با این حال آنچه در ذهن اندیشمندان روسیه می‌گذرد، گمانه‌های نادیده انگاشتن آن‌ها، هایشان از سوی برلین است.

به این حال در آلمان این همکاری از حمایت احزاب برخوردار است. گلا-مرکل «صدراعظم آلمان گرچه همچنان بر تحریم اتحادیه اروپا و سوبیه به دلیل اشغال کریمه در سال ۲۰۱۴ و مداخله نظامی در جنوب شرق اوکراین پایبند است اما او «نورداستریم ۲» را نیز حمایت می‌کند. مین لاشر، رهبر جدید حزب او (دموکرات مسیحی) نیز با وجود انتقاد بی‌پایان، چندان انتظاری با مرکل ندارد.

«هاکیو ماس» وزیر خارجه سوسیال دموکرات آلمان نیز معتقد است سورهای غربی نباید روسیه را به سمت همکاری‌های اقتصادی و نظامی مشترک بیشتر با چین سوق دهند و از این بابت به «نورد استریم ۲» نگاه تنگ‌بینانه دارد. این دیدگاه برای پوپولیست‌های راست افراطی و چپ‌گرایان میان نیز با وجود مخالفت‌ها با حزب حاکم برقرار است.

اما در اینجا این سؤال مطرح است که کرم‌لین چه به آلمان خواهد داد؟ سال ۲۰۱۵ «بوندستاگ»، پارلمان مرکزی فدرال آلمان هدف حمله یب‌دی قرار گرفت که کارشناسان، روسیه را در پس آن می‌دانستند. چه بعد از یک دهه شورش چینی در برلین کشته شد که آن نیز به دولت روسیه نسبت داده شود. حال اینکه آیا روابط اقتصادی و انرژی روسیه با آلمان تا چه حد می‌تواند بر امنیت اروپایی تأثیرگذار باشد دست‌کم در آن بران‌پرمشخص نیست اما سیاستمداران آلمانی باید به جای فکر کردن به اغرامت معنوی کشورشان به روسیه، این سؤال را از خود بپرسند که آیا آنها خود را به دگرپل‌های ارتباطی با روسیه دستاورد ارزشمندی می‌آنها خواهد داشت.

Financial Times: منبع ■

